

## Elucidation and Validation of the Conceptual Model of Virtuous Patience Based on Qualitative Content Analysis of Qur'anic Verses and Narrations

Milad Choobdari<sup>1</sup> \ Hasan Najafi<sup>2</sup>

1. M.A., Moral Education, Institute of Ethics and Education; Level Four Seminary Researcher, Qom Seminary, Qom, Iran (Corresponding Author).

*miladchoobdari@gmail.com*

2. Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran.

*hnajafih@cfu.ac.ir*

Abstract Info	Abstract
<b>Article Type:</b> Research Article	Despite the central status of patience ( <i>sabr</i> ) in Islamic sources, the existing literature lacks a coherent framework for systematically explaining the relationships among the concepts associated with this virtue. The present study aims to address this gap by designing and validating a conceptual model of “virtuous patience” based on Qur’anic verses and reliable narrations. This research adopted a mixed-methods design with a sequential exploratory approach. In the qualitative phase, qualitative content analysis and grounded-data coding of selected textual sources were employed to develop an initial model. In the quantitative phase, the model’s content validity was assessed through the Delphi method and (CVI) Index. The findings introduce a three-part model of virtuous patience as an active, knowledge-based process grounded in antecedents such as reason, belief in monotheistic teachings, and submission and servitude to God. This endogenous and dynamic process begins with attentiveness to monotheistic knowledge and firm divine intention, continues through managing the emotions and by forbearance, becomes operationalized through steadfastness, and is completed with hopeful anticipation of relief. The principal outcome of this process is existential growth and spiritual elevation, which ultimately leads to worldly relief and otherworldly reward. Accordingly, patience in Islamic thought is not a passive virtue but an active, multidimensional process emerging from rational–monotheistic understanding and culminating in existential flourishing and ultimate success.
<b>Received:</b> 2025/07/01	
<b>Accepted:</b> 2025/09/16	
<b>Keywords</b>	Patience; Conceptual Model; Virtuous Patience; Islamic Ethics; Conventional Qualitative Content Analysis; Qur’anic Verses and Narrations.
<b>Cite this article:</b>	Choobdari, Milad & Hasan Najafi (2025). Elucidation and Validation of the Conceptual Model of Virtuous Patience Based on Qualitative Content Analysis of Qur’anic Verses and Narrations. <i>Pazhuhesh Name-E Akhlaq</i> . 18 (3). 27-52. DOI:
<b>DOI:</b>	
<b>Publisher:</b>	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

## التبيين والتحقق من نموذج مفهومي للصبر الفضيل في ضوء تحليل المحتوى الكيفي للآيات والروايات

ميلاد چوبداري<sup>١</sup> / حسن نجفي<sup>٢</sup>

١. ماجستير في التربية الأخلاقية، معهد الأخلاق والتربية، باحث في المستوى الرابع بالحوزة العلمية بقم،

قم، إيران (الكاتب المسؤول).

[miladchoobdari@gmail.com](mailto:miladchoobdari@gmail.com)

٢. أستاذ مساعد، قسم تعليم العلوم التربوية، جامعة فرهنكيان، طهران، إيران.

[hnajafih@cfu.ac.ir](mailto:hnajafih@cfu.ac.ir)

معلومات المادة	ملخص البحث
نوع المقال: بحث	على الرغم من المكانة المحورية لمفهوم الصبر في النصوص الإسلامية، فإن الأدبيات المتوافرة تفتقر إلى إطار منسجم يفسر بصورة منهجية العلاقات بين المفاهيم المرتبطة بهذه الفضيلة. وانطلاقاً من هذا النقص، هدفت الدراسة الحالية إلى التصميم والتحقق من نموذج مفهومي لـ«الصبر الفضيل» بالاستناد إلى الآيات والروايات المعتبرة. أجريت هذه الدراسة بالمنهج المختلط وفق التصميم الاستكشافي المتتابع؛ ففي المرحلة الكيفية جرى تحليل المحتوى وترميز البيانات المستندة إلى النصوص المختارة لاستخراج النموذج الأولي، ثم جرى في المرحلة الكمية التحقق من صدقيته المحتوائية باستخدام أسلوب دلفي ومؤشر CVI. وتبين النتائج أن «الصبر الفضيل» عملية فاعلة قائمة على المعرفة، تستند إلى مقدمات تتمثل في «العقل»، و«الإيمان بالمعارف التوحيدية»، و«التسليم والعبودية». وتبدأ هذه العملية الدينامية الداخلية بالانفتاح إلى المعارف التوحيدية و«النية الإلهية الراسخة»، ثم تستمر عبر «إدارة الانفعالات» و«التحمل»، وتتجسد عملياً في «الاستقامة»، وتكتمل بانتظار الفرج». وأما النتيجة الرئيسة لهذه العملية فهي «الارتقاء والنمو الوجودي» الذي يفضي إلى «الفرج الدنيوي والثواب الأخروي».
تاريخ الاستلام: ١٤٤٧/٠١/٠٥	
تاريخ القبول: ١٤٤٧/٠٣/٢٣	
الألفاظ المفتاحية	الصبر، النموذج المفهومي، الصبر الفضيل، الأخلاق الإسلامية، تحليل المحتوى الكيفي، الآيات والروايات.
الاقباس:	چوبداري، ميلاد و حسن نجفي (١٤٤٧). التبيين والتحقق من نموذج مفهومي للصبر الفضيل في ضوء تحليل المحتوى الكيفي للآيات والروايات. مجلة علمية للنشرة الاخلاقية. ١٨ (٣). ٥٢ - ٢٧. DOI: ??
رمز DOI:	??
الناشر:	جامعة المعارف الإسلامية، قم، إيران.



# پژوهش‌نامه اخلاق

نشریه علمی

سال ۱۸، پاییز ۱۴۰۴، شماره ۶۹

## تبیین و اعتبارسنجی مدل مفهومی صبر فضیلت‌مندانه مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی آیات و روایات

میلاذ چوبداری<sup>۱</sup> / حسن نجفی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد، تربیت اخلاقی مؤسسه اخلاق و تربیت، دانش‌پژوه سطح چهار حوزه علمیه قم،

قم، ایران (نویسنده مسئول).

[miladchoobdari@gmail.com](mailto:miladchoobdari@gmail.com)

۲. استادیار، گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران.

[hnajafih@cfu.ac.ir](mailto:hnajafih@cfu.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: پژوهشی (۵۲ - ۲۷)	با وجود جایگاه محوری صبر در متون اسلامی، ادبیات موجود فاقد چهارچوبی منسجم برای تبیین نظام‌مند روابط مفاهیم مرتبط با این فضیلت است. پژوهش حاضر با هدف رفع این خلأ، به طراحی و اعتبارسنجی مدل مفهومی «صبر فضیلت‌مندانه» مبتنی بر آیات و روایات معتبر پرداخت. این مطالعه به روش آمیخته و از نوع طرح متوالی اکتشافی اجرا شد؛ در مرحله کیفی، با تحلیل محتوا و کدگذاری داده‌بنیاد مستندات منتخب، مدل اولیه تدوین و در مرحله کمی، روایی محتوایی آن از طریق روش دلفی و شاخص CVI اعتبارسنجی گردید. یافته‌ها مدل سه‌بخشی «صبر فضیلت‌مندانه» را فرایندی فعال و معرفت‌بنیان معرفی می‌کند که بر پیشایندهای «عقل»، «اعتقاد به معارف توحیدی» و «تسلیم و عبودیت» استوار است. این فرایند پویای درون‌زا، با «التفات به معارف توحیدی» و «فصد راسخ الهی» آغاز، با «مدیریت هیجانات» و «شکیبایی» تداوم، در «استقامت» عملیاتی و با «انتظار گشایش» تکمیل می‌گردد. پیامد اصلی این فرایند، «تعالی و رشد وجودی» است که به «گشایش دنیوی و پاداش اخروی» می‌انجامد. در نتیجه، صبر در اندیشه اسلامی نه فضیلتی منفعل، بلکه فرایندی فعال و چندوجهی است که از ادراک عقلانی - توحیدی برخاسته و به تعالی وجودی و فلاح منتهی می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۱۰	صبر، مدل مفهومی، صبر فضیلت‌مندانه، اخلاق اسلامی، تحلیل محتوای کیفی عرفی، آیات و روایات.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۶/۲۵	چوبداری، میلاذ و حسن نجفی (۱۴۰۴). تبیین و اعتبارسنجی مدل مفهومی صبر فضیلت‌مندانه مبتنی بر تحلیل محتوای کیفی آیات و روایات. پژوهشنامه اخلاق، ۱۸ (۳)، ۵۲ - ۲۷. DOI: ??
واژگان کلیدی	DOI: ??
استناد:	ناشر:
کد DOI:	دانشگاه معارف اسلامی، قم، ایران.

## طرح مسئله

در منظومه معرفتی اسلام، تعالی انسان غایت نهایی است و فضایل اخلاقی ارکان این رشد محسوب می‌شوند. در این میان، «صبر» جایگاهی ممتاز دارد. این فضیلت در قرآن کریم و روایات به‌عنوان شاخص کمال و رکن ایمان (ابن‌بابویه، ۱۳۶۲: ۱ / ۳۱۵) معرفی شده است. از این‌رو، برخورداری از آن شرط پیمودن مسیر سلوک است.

به‌رغم این جایگاه رفیع، فهم رایج از صبر با چالش‌های مفهومی و کارکردی مواجه است. تقلیل این مفهوم به تحمل انفعالی نامالایمات در تلقی عمومی، به شکل‌گیری الگوهای رفتاری ناکارآمد می‌انجامد. این برداشت نادرست، موجب تضعیف مقاومت سازنده می‌شود. از سوی دیگر، تحلیل‌های موجود در تراث اسلامی نیز با وجود عمق محتوایی، فاقد چهارچوبی نظام‌مند هستند. این تحلیل‌ها در تبیین یکپارچه روابط میان مفاهیم مرتبط با صبر (پیشایندها، عناصر هسته‌ای و پیامدها) دچار کاستی‌اند.

ادبیات پژوهشی مرتبط با صبر و مفاهیم نزدیک به آن را می‌توان در سه حوزه اصلی دسته‌بندی کرد: الف) **مطالعات مفهومی و روان‌شناختی:** در مطالعات اسلامی، صبر عمدتاً به‌عنوان حالت روانی، فرایند کنترل نفس و فضیلت اخلاقی جامع تعریف شده است (شریعتی و دیگران، ۱۴۰۱؛ امیری و دیگران، ۱۳۹۲). در روان‌شناسی نیز این مفهوم از سایه «خودکنترلی» (میشل، ۲۰۱۴<sup>۱</sup>) خارج شده و عمدتاً در دو رویکرد اصلی بازتعریف گردیده است: رویکرد «فضیلت‌محور» اشنیتکر که صبر را صفتی شخصیتی و مهارتی قابل پرورش برای ارتقای بهزیستی می‌داند (اشنیتکر، ۲۰۱۲<sup>۲</sup>)؛ و رویکرد «فرایندی» سویینی که آن را راهبردی برای تنظیم هیجان در برابر بی‌صبری تلقی می‌کند (سویینی، ۲۰۲۵<sup>۳</sup>).

ب) **مؤلفه‌ها، مبانی و پیامدها:** پژوهشگران ابعاد صبر را در دسته‌های شناختی، عاطفی، رفتاری و معنوی طبقه‌بندی کرده‌اند (امیری و دیگران، ۱۳۹۵). همچنین مبانی فلسفی و روان‌شناختی آن (شمشیری و شیروانی شیری، ۱۳۹۰) و پیامدهای مثبت آن در کاهش اضطراب و استحکام روابط اجتماعی مورد واکاوی قرار گرفته است (حسین ثابت، ۱۳۸۷؛ خسروی و همکاران، ۱۳۹۷). با این حال، فقدان مدلی نظام‌مند برای تبیین ارتباط این اجزا همچنان مشهود است.

ج) **مطالعات تاب‌آوری معنوی:** پژوهش‌هایی نیز تاب‌آوری معنوی را در ابعاد ارتباطی چهارگانه (با خدا، خود، خلق و خلقت) تبیین کرده‌اند (علی‌اکبری و همکاران، ۱۴۰۱). با این وجود، تمایز دقیق

1. Mischel.  
2. Schnitker.  
3. Sweeny.

میان صبر و تاب‌آوری نیازمند ارائه مدل مفهومی<sup>۱</sup> منسجمی از صبر است که هدف اصلی این پژوهش محسوب می‌شود.

پژوهش حاضر به روش آمیخته و از نوع «طرح متوالی اکتشافی»<sup>۲</sup> (کرسول<sup>۳</sup> و پلانو کلارک<sup>۴</sup>، ۲۰۱۸: ۷۲ - ۶۹) در دو بخش کیفی و کمی اجرا گردید. در این طرح، ابتدا مدل مورد نظر با تحلیل عمیق داده‌های کیفی اکتشاف شد و سپس یافته‌ها مبنای طراحی بخش کمی جهت آزمون و سنجش تعمیم‌پذیری قرار گرفت (مورگان<sup>۵</sup>، ۲۰۱۴: ۵۲ - ۴۹).

مرحله نخست (بخش کیفی): فرایند تدوین مدل مفهومی در سه گام انجام شد:

۱. تشکیل حوزه‌های معنایی و استخراج کلیدواژه‌ها: گام نخست به شناسایی کلیدواژه‌های مرتبط با صبر اختصاص یافت. بدین منظور از روش «حوزه‌های معنایی»<sup>۶</sup> با رویکرد «معناشناسی ساخت‌گرا»<sup>۷</sup> استفاده شد تا با تحلیل روابط هم‌معنایی، تقابل و شمول، ساختار مفهومی عمیق‌تری حاصل گردد (شجاعی و دیگران، ۱۳۹۳: ۲۰ - ۷). بر این اساس، افزون بر واژه «صبر»، کلیدواژه‌هایی نظیر «استقامه»، «ثبات»، «ضیق»، «ارتقاب»، «عزم»، «أذی»، «بلو و فتن و ...» استخراج شدند.

۲. جمع‌آوری و غربال‌گری داده‌ها: در گام دوم، با جست‌وجوی کلیدواژه‌ها در نرم‌افزارهای «جامع‌التفاسیر نور» و «جامع‌الاحادیث ۳،۵»، داده‌های اولیه (۱۳۶۹۴ مورد) از آیات و روایات گردآوری شد. این داده‌ها طی غربال‌گری دمرحله‌ای پالایش شدند: نخست براساس اعتبار منابع، تنها روایات کتب معتبر (درجه الف) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۲۸۶ - ۲۴۵) گزینش شدند و سپس مستندات نامرتبط حذف گردیدند. در نهایت ۷۰۵ روایت و ۱۷۷ آیه جهت تحلیل انتخاب شد.

۳. تحلیل داده‌ها: گام سوم به تحلیل داده‌ها با روش «تحلیل محتوای کیفی عرفی»<sup>۸</sup> (هسیه<sup>۹</sup> و شانون<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۵: ۱۲۷۹) و بهره‌گیری از نرم‌افزار MAXQDA 2024 اختصاص یافت. فرایند استخراج مقولات مبتنی بر مراحل سه‌گانه کدگذاری در «نظریه داده‌بنیاد»<sup>۱۱</sup> انجام پذیرفت: در «کدگذاری باز»<sup>۱۲</sup>

1. Conceptual Model.
2. Exploratory Sequential Mixed Methods Design.
3. Creswell.
4. Plano Clark.
5. Morgan.
6. Semantic Field Method or Lexical Field Method.
7. Structural Semantics within the Semantic Field Method.
8. Conventional Content Analysis.
9. Hsieh.
10. Shannon.
11. Grounded Theory.
12. Open Coding.

داده‌ها به واحدهای معنایی تجزیه شدند؛ در «کدگذاری محوری»<sup>۱</sup> کدهای مشابه دسته‌بندی و روابط شناسایی گردید؛ در «کدگذاری انتخابی»<sup>۲</sup> با شناسایی مقوله هسته، مدل نهایی شامل پیشایندها، عناصر هسته‌ای و پیامدها تدوین شد (استراوس<sup>۳</sup> و کوربین<sup>۴</sup>، ۱۴۰۱: ۱۶۶ - ۱۲۳).

**مرحله دوم (بخش کمی):** به‌منظور «سنجش روایی محتوایی»<sup>۵</sup> مدل استخراج‌شده، از روش «توصیفی - پیمایشی» از نوع «دلفی»<sup>۶</sup> بهره‌گیری شد. جامعه آماری این بخش را ۱۰ نفر از متخصصان حوزه علوم اسلامی و اخلاق و تربیت تشکیل می‌دادند که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. برخی از این افراد علاوه بر مدرک دکتری (۲ نفر سطح چهار اخلاق، ۴ نفر دکتری فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی و ۴ نفر دکتری فلسفه اخلاق)، عضو هیئت علمی بوده و سابقه پژوهش تخصصی در حیطه اخلاق و تربیت اسلامی را دارا بودند. ابزار سنجش، محاسبه «شاخص روایی محتوایی (CVI)» بود که براساس نظر خبرگان، میزان انطباق مؤلفه‌ها با مستندات دینی ارزیابی گردید. با در نظر گرفتن نقطه برش ۰.۷۹ (پولیت<sup>۷</sup> و بک<sup>۸</sup>، ۲۰۰۶: ۴۹۳)، تمامی مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها در این مرحله مورد تأیید قرار گرفتند.

### تحلیل معناشناختی - تاریخی واژه صبر

پیش از تبیین مؤلفه‌های مدل، واگوی تصور معنایی «صبر» برای درک جایگاه آن در منظومه معرفتی اسلام ضروری است. تحلیل‌های لغوی نشان می‌دهد ریشه عربی صبر بر مفاهیم «حبس، نگاه داشتن و ممانعت» دلالت دارد (جوهری، ۱۴۱۰: ۲ / ۷۰۶؛ طریحی، ۱۳۷۵: ۳ / ۳۵۸). در ادبیات جاهلی، این واژه عمدتاً توصیفگر فضیلتی سکولار شامل استقامت فیزیکی در میدان نبرد بود (صالحی حاجی‌آبادی و هادی، ۱۳۹۷: ۱۵۳).

با نزول قرآن کریم، ضمن حفظ هسته معنایی، ماهیت صبر متحول شد؛ از این‌رو، از یک تاکتیک دفاعی صرف، به «فرایند کنترل عقلانی نفس» ارتقا یافت که پایداری در دشواری‌ها را تسهیل می‌کند (امیری و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۸). در این رویکرد نوپدید، صبر نه تحملی انفعالی، بلکه فضیلتی جامع است که با تکیه بر مبانی شناختی، هم‌بازدارنده از رذایل و هم‌پیش‌برنده به سوی اهداف متعالی است (دهقانی

1. Axial Coding.
2. Selective Coding.
3. Strauss.
4. Corbin.
5. Content Validity Index.
6. Delphi method.
7. Polit.
8. Beck.

فیروزآبادی، ۱۳۹۵: ۱۶۸ - ۱۶۷). بنابراین در مدل این پژوهش، مراد از صبر، استقامتی است که از «حبس کورکورانه جاهلی» فاصله گرفته و به «حبس هدفمند نفس» در مسیر عبودیت بدل شده است.

## یافته‌ها

نظر به حجم گسترده داده‌های دینی، یافته‌های پژوهش در قالب جداول کدگذاری (محوری و انتخابی) و نمودار مدل نهایی تدوین گردید. مدل مفهومی «صبر فضیلت‌مندانه» مشتمل بر سه لایه اصلی است که جزئیات مقولات آن در جدول ۱ ارائه شده است.

کدگذاری انتخابی		کدگذاری محوری	شماره کدهای باز
مقوله هسته	مقولات عمده		
صبر فضیلت‌مندانه در اسلام	پیشایندها	۱. عقل	۴ - ۱
		۲. اعتقاد به معارف توحیدی	۸۹ - ۵
		۳. تسلیم و عبودیت	۱۰۵ - ۹۰
	عناصر هسته‌ای (مؤلفه‌های مفهومی)	۱. التفات به معارف توحیدی	۱۱۵ - ۱۰۶
		۲. قصد راسخ الهی	۱۳۸ - ۱۱۶
		۳. یاری جستن از خداوند	۱۴۸ - ۱۳۹
		۴. مدیریت هیجانات منافی با عقل	۱۵۵ - ۱۴۹
		۵. شکیبایی	۱۸۱ - ۱۵۶
		۶. استقامت	۱۹۰ - ۱۸۲
		۷. انتظار گشایش	۲۰۹ - ۱۹۱
	پیامدها و نتایج	۱. تعالی و رشد وجودی	۲۳۸ - ۲۱۰
		۲. تحقق گشایش و پاداش الهی	۳۱۰ - ۲۳۹

جدول ۱: نتایج تحلیل کیفی داده‌ها براساس کدگذاری سه‌مرحله‌ای

طراحی این مدل با رویکردی جامع‌نگر و مبتنی بر تقسیم‌بندی سه‌گانه صبر در روایات صورت گرفته است. براساس حدیث نبوی، صبر حقیقتی است که در سه ساحت «مصیبت»، «طاعت» و «ترک مصیبت» ظهور می‌یابد (کلینی، ۱۴۰۷: ق: ۲ / ۹۱)؛ از این رو مدل پیشنهادی می‌کوشد تا چگونگی جریان یافتن این مؤلفه‌ها را در هر سه ساحت تبیین کند. با این رویکرد، لایه‌های سه‌گانه مدل تشریح می‌گردد:

### ۱. پیشایندها

این بخش به‌عنوان نخستین لایه مدل، به تبیین خاستگاه‌ها و عواملی می‌پردازد که بسترهای اصلی شکل‌گیری صبر را فراهم می‌آورند.

## یک. عقل

در منظومه معرفتی اسلام، صبر نه یک انفعال، بلکه محصول فرایندی شناختی و تصمیمی عقلانی است. واکاوی متون دینی آشکار می‌سازد که «عقل» نه تنها ملازم، بلکه بنیادین‌ترین خاستگاه صبر محسوب می‌شود. در واقع، فضیلت صبر محصول تحلیل و انتخابی خردمندانه است؛ گزاره‌ای که آیات و روایات متعدد بر آن گواهی می‌دهند.

قرآن کریم در آیات ۴۴ و ۴۵ سوره بقره، با ترسیم یک توالی مفهومی دقیق، بر تقدم رتبی «عقل» بر «صبر» تأکید می‌ورزد. خداوند متعال ابتدا عالمان بی‌عمل را که با وجود تلاوت کتاب آسمانی، از اصلاح نفس خویش غافل مانده و به آنچه می‌گویند عمل نمی‌کنند (خود را فراموش کرده‌اند)، مورد عتاب قرار می‌دهد و با استفهام توبیخی «أَفَلَا تَعْقِلُونَ»، ریشه این تناقض رفتاری را در «عدم تعقل» می‌جوید. بلافاصله پس از این آسیب‌شناسی، راهکار برون‌رفت را ارائه فرموده و دستور می‌دهد: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ؛ از صبر و نماز یاری بجوید».

این سیاق نشان می‌دهد که بهره‌مندی مؤثر از فضیلت صبر، مشروط به فعلیت یافتن قوه عقل است؛ بدین معنا که انسان ابتدا باید با نیروی عقل، خطای خود را بشناسد و مسیر درست را انتخاب کند؛ تنها آنگاه است که می‌تواند دشواری‌های اصلاح رفتار خود را با صبر تحمل نماید. برای نمونه، مفسران ذیل این آیات تصریح کرده‌اند که ریشه امتناع علمای یهود از پذیرش حق، «حب‌الریاسه» و دل‌بستگی به جایگاه دنیوی بود. رابطه این دل‌بستگی با صبر در «هزینه سنگین پذیرش حق» نهفته است؛ زیرا ایمان آوردن برای آنان مساوی با «از دست دادن ریاست» بود و ترک این جایگاه شیرین، رنجی بزرگ به شمار می‌رفت. در اینجا، «حب‌الریاسه» مانعی بود که تحمل این فقدان را ناممکن می‌ساخت. از این رو، دعوت خداوند به صبر، در واقع فراخوانی برای «تحمل تلخی کناره‌گیری از ریاست» است؛ استقامتی که تنها در صورتی ممکن می‌شود که پیش از آن، عقل با قاطعیت حکم کرده باشد که «حقیقت» ارزشمندتر از «ریاست» است (طبرسی، ۱۳۷۲: ۱ / ۲۱۷).

این رابطه علی در لسان روایات نیز با صراحت تبیین شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام عقل را نخستین پایه از قواعد اسلام دانسته و می‌فرماید: «وَعَلَيْهِ بُنِيَ الصَّبْرُ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ق: ۶۵ / ۳۸۱)؛ بیانی که رابطه صبر و عقل را از یک هم‌نشینی ساده، به رابطه‌ای ساختاری و بنیادین ارتقا می‌دهد. در همین راستا، امام کاظم علیه السلام صبر بر تنهایی را نشانگر قوت عقل دانسته «الصَّبْرُ عَلَى الْوَحْدَةِ عِلْمَةٌ قُوَّةُ الْعَقْلِ» و آن را ثمره «خردورزی الهی» «عَقْلَ عَنِ اللَّهِ» می‌دانند؛ فرایندی که در آن، انسان با نور عقل، حقایق را از منظر الهی می‌نگرد و با اصلاح نظام ارزش‌گذاری خود، به چنان معرفتی دست می‌یابد که تحمل رنج

تنهایی برایش آسان می‌گردد (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۱ / ۱۷).

اوج کارکرد اجرایی عقل را می‌توان در خطبه شقشقیه مشاهده کرد؛ آنجا که امیرالمؤمنین علیه السلام در یک دوراهی سرنوشت‌ساز پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فرایند تصمیم‌گیری خود را چنین توصیف می‌کند: «فَرَأَيْتُ أَنْ الصَّبْرَ عَلَيَّ هَاتَا أَحَجِّي فَصَبَرْتُ». واژه «أَحَجِّي» (خردمندانه‌تر) به‌وضوح نشان می‌دهد که صبر در اینجا نه یک انفعال، بلکه «انتخابی راهبردی» و محصول ترجیح عقلانی نسبت به قیام و اقدام مسلحانه برای احقاق حق بوده است؛ هرچند این انتخاب برای ایشان چنان جانکاه بود که حال خود را به خاری در چشم و استخوانی در گلو تشبیه می‌فرمایند: «وَفِي الْعَيْنِ قَذْيٌ وَ فِي الْحَلْقِ شَجِيٌّ» (شریف الرضی، ۱۴۱۴ ق: ۴۸).

در تبیین این پیشایندها باید تصریح کرد که مقصود از «عقل» در این مدل، «عقل ابزاری»<sup>۱</sup> یا معاش‌اندیش نیست؛ زیرا عقل ابزاری که صرفاً بر منافع زودگذر متمرکز است، چه بسا در برابر دشواری‌های تکلیف و جاذبه‌های گناه، حکم به تسلیم دهد یا عافیت‌طلبی را برگزیند. در مقابل، عقل در صبر فضیلت‌مندانه، نیرویی ادراکی، مشروط به سلامت فطرت و ملازم با عقد قلبی است. این عقل تنها در صورت مصونیت از غبار امیال، قادر است با مدیریت صحیح داده‌های حواس، در ساحت نظر حق را از باطل و در مقام عمل خیر را از شر تمیز دهد و انسان را از محاسبات دنیوی به سوی رستگاری حقیقی رهنمون سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۲۵۰؛ موسوی‌همدانی، ۱۳۷۴ ش: ۲ / ۳۷۶ - ۳۷۴؛ تمسکی، ۱۳۹۴: ۱۱).

در این دستگاه محاسباتی، تحمل رنج مصیبت، مشقت طاعت و تلخی ترک گناه به امید پاداش جاودان، منطقی‌ترین انتخاب جلوه می‌کند. از این‌رو، رابطه عقل و صبر نه یک معامله مادی، بلکه نوعی دوران‌دیشی قدسی است که عقل و ایمان را هم‌سو می‌سازد.

## دو. اعتقاد به معارف توحیدی

پس از عقل، دومین پیشایندها بنیادین صبر، «اعتقاد به معارف توحیدی» است. این باور صرفاً یک اعتقاد کلی نیست، بلکه بنیانی هستی‌شناختی است که چهارچوب تفسیر فرد از سختی‌ها را شکل می‌دهد و به قوه عقل، محتوایی متعالی برای معنابخشی به صبر در هر سه عرصه «انجام طاعات»، «ترک معاصی» و «تحمل مصائب» ارائه می‌کند.

نکته حائز اهمیت در تحلیل این پیشایندها آن است که هرچه فرد به مراتب عالی‌تر صبر و موقعیت‌های بحرانی نزدیک می‌شود، از غلبه جنبه «شناختی» این باور کاسته شده و بر جنبه «گرایشی» و ایمانی آن

افزوده می‌گردد. قرآن کریم در ترسیم صبر حضرت یوسف علیه السلام می‌فرماید:

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهٍ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ ... (یوسف / ۲۴).

آن زن آهنگ او کرد و او نیز اگر برهان پروردگارش را نمی‌دید، آهنگ وی می‌کرد.

علامه طباطبایی در تفسیر این آیه بیان می‌دارند که آن «برهان رب» که یوسف علیه السلام دید، یک حقیقت توحیدی بود که در قالب «محبت الهی» تجلی یافت و جان او را چنان مسخر کرد که جایی برای غیر باقی نگذاشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱ / ۱۲۷). از این رو، اعتقاد به معارف توحیدی در مراتب بالاتر صبر، از ساحت دانستن فراتر رفته و به تدریج جنبه گرایشی می‌یابد؛ لذا این مقوله، جامع هر دو ساحت «اعتقاد» و «ایمان» به معارف توحیدی است.

اعتقاد به معارف توحیدی بر سه رکن استوار است: مالکیت و حاکمیت مطلق الهی، علم، حکمت و عدالت او، و اعتقاد به نتیجه‌بخش بودن صبر که در ادامه به تبیین رکن نخست پرداخته می‌شود.

#### الف) مالکیت و حاکمیت مطلق خداوند متعال

اعتقاد به مالکیت مطلق الهی، از بنیادهای معرفتی و پیشایندهای ضروری صبر است که نگرش فرد به مصائب را بازتعریف می‌کند. خداوند در آیات ۱۵۵ و ۱۵۶ سوره بقره، رمز فضیلت صابران را اقرار قلبی به «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ؛ ما از آن خداییم و به سوی او بازمی‌گردیم» می‌داند. این جمله که امیرالمؤمنین علیه السلام بخش اول آن را اقرار به مالکیت الهی دانسته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳ / ۲۶۱)، عصاره یک جهان‌بینی توحیدی است. این معرفت، پندار مالکیت واقعی انسان را که منشأ بی‌تابی است، ریشه‌کن می‌کند. فرد صابر با درک اینکه خود و دارایی‌هایش ملک طلق خداوند است، نگاهش به هستی دگرگون می‌شود. در مواجهه با مصائب، این رویداد را نه «از دست دادن»، بلکه «تصرف مالک در ملک خویش» می‌بیند و آرام می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱ / ۳۵۴ - ۳۵۳)؛ اما این اعتقاد در ساحت تکالیف (طاعت و معصیت)، کارکردی مسئولیت‌ساز دارد؛ بدین معنا که انسان به‌عنوان مملوک، خود را موظف به اطاعت بی‌چون‌وچرا از اوامر مالک (صبر بر طاعت) می‌بیند و پرهیز از تصرف غیرمجاز در قلمرو ممنوعه او (صبر بر معصیت) را بر خود لازم می‌داند. بنابراین، باور به مالکیت الهی، هم «توجیه‌گر رنج فقدان» است و هم «الزام‌آور رنج بندگی».

این معرفت به مالکیت، با باور به حاکمیت فعال و مطلق الهی تکمیل می‌شود تا پیشایندهای بنیادین برای صبر شکل گیرد. در آیه ۲۴۹ سوره بقره، کلام مؤمنان سپاه طالوت: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً يَأْذِنُ اللَّهُ؛ چه‌بسا گروهی اندک که به اذن خدا بر گروهی بسیار پیروز شدند»، بیانگر این حقیقت است که پیروزی

نه به اسباب مادی، بلکه به اراده حاکم مطلق وابسته است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۲۹۳)؛ باوری که در دشوارترین شرایط امیدبخش صابر است.

افزون بر این، حاکمیت الهی متضمن نظارت دقیق بر مُلک است. خداوند در آیه ۲۰ فرقان ضمن معرفی انسان‌ها به‌عنوان وسیله آزمون یکدیگر، با عبارت «وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيرًا؛ پروردگارت همواره بیناست» بر نظارت خود بر ابتلائات تأکید می‌ورزد. این آگاهی، استقامت در صبر را از تحملی کورکورانه به کنشی عبادی و معنادار در محضر حاکم مطلق بدل می‌سازد. بدین‌سان، صبر پاسخ ضروری «مملوکی» است که خود را تحت نظارت دقیق «مالک» و «حاکم» خویش می‌یابد.

### ب) اعتقاد به علم و حکمت و عدالت الهی

تکمیل مبنای معرفتی صبر، افزون بر باورهای پیشین، نیازمند اعتقاد راسخ به «علم»، «حکمت» و «عدالت» الهی است. اعتقاد به این معارف توحیدی، چهارچوبی معنایی برای تفسیر رخدادها ترسیم می‌کند که ضمن توانمندسازی انسان برای مواجهه فعال با سختی‌ها، رابطه‌ای وثیق میان این باورها و تحقق صبر برقرار می‌سازد.

اعتقاد به علم و حکمت الهی، دو جزء پیوسته این مبنای معرفتی است که تفکیک مفهومی آن، چگونگی شکل‌گیری این پیشایند ضروری برای صبر را شفاف می‌سازد. «علم الهی» بیانگر احاطه مطلق خداوند بر تمام ساحت‌های هستی است؛ دانشی که تنها به کلیات محدود نمی‌شود، بلکه به صورت «علم جزئی»، بر پنهان‌ترین لایه‌های درونی انسان نیز احاطه دارد. شاهد این مدعا، عبارت «... عَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا» (انفال / ۶۶) است که نشان می‌دهد خداوند از ضعف درونی انسان آگاه است و تدبیر امور را بر پایه همین آگاهی سامان می‌دهد.

این آگاهی دقیق، کارکردی دوگانه دارد: در هنگام بلا، به صابر اطمینان می‌دهد که رنج او در محضر علم الهی مشهود است و مایه تسکین او می‌شود؛ از طرف دیگر، باور به نظارت دائمی خداوند «أَلَمْ يَعْلَمْ بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق / ۱۴) نقشی دوسویه ایفا می‌کند: نخست با بیدارسازی حیا و درک عظمت الهی، تحمل بار تکلیف را در برابر ناظری چنین عظیم هموار می‌سازد (صبر بر طاعت) و دوم، جاذبه گناه را در پیشگاه او خنثی می‌کند (صبر بر معصیت).

در امتداد این اعتقاد، «حکمت الهی» قرار دارد. علامه طباطبایی حکمت را علم مُتَّقَن، صادق، مطابق با واقع و غایت‌مند خداوند به خیر مطلق و ایجاد نظام هستی براساس آن تعریف می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۲۴۹ و ۳۹۵). این باور در ساحت «صبر بر مصیبت»، رخدادهای تلخ را از حوادثی کور به آزمون‌هایی هدفمند بدل می‌سازد. نمود عینی این نگرش در سیره یعقوب علیه السلام آشکار است؛ ایشان در اوج بلا، صبر

خود را بر دو صفت «علم» و «حکمت» الهی بنا نهاد و فرمود: «إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ» (یوسف / ۸۳). استناد هم‌زمان به این دو صفت، نشان می‌دهد که او یقین داشت رنج مصیبتش نه تنها بر خدا پوشیده نیست (علیم)، بلکه گزافه و پوچ نبوده و دقیقاً در بستر «حکمت تکوینی» و تدبیر غایتمند الهی مدیریت می‌شود.

دایره حکمت الهی به مصائب محدود نیست، بلکه «صبر بر طاعت و معصیت» را نیز در بر می‌گیرد (حکمت تشریحی). در این ساحت، مؤمن با استناد به آیه «عَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ» (بقره / ۲۱۶)، یقین دارد که کراهت نفس از دشواری عبادت یا ترک لذت گناه، دلیل بر شر بودن آنها نیست؛ بلکه خیر واقعی انسان در همان دشواری‌هایی نهفته است که ناخوشایند می‌پندارد.

ضلع سوم این مبنا، اعتقاد به «عدالت خداوند» است. انسان صابر یقین دارد رنج او در ترازوی عدل الهی سنجیده می‌شود. قرآن کریم با عبارت «وَوَدَّعْتُمْ كَلِمَةً رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا» (انعام / ۱۱۵)، بیان می‌دارد اجزای شریعت الهی بر پایه عدل است؛ یعنی هماهنگ بوده و هر چیزی را آن‌گونه که شایسته است می‌سنجد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۷ / ۳۲۹)؛ لذا هر رخدادی در چهارچوب تقدیر الهی، از ساحت بی‌عدالتی مبرا است. خداوند نه تنها عادل است، بلکه با فرمان «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / ۹۰)، اطمینان به استواری نظام هستی بر مدار عدالت را در قلب صابر تثبیت می‌کند.

کارکرد این باور در اقسام صبر متفاوت است: در «صبر بر مصیبت»، عدالت به مثابه «نفی ظلم» است؛ یعنی رنج وارده ستم نیست، بلکه آزمونی عادلانه است. در «صبر بر طاعت»، این باور ضامن اصل «پاداش» است؛ زیرا صابر می‌داند خداوند اجر محسنین را ضایع نمی‌سازد (هود / ۱۱۵). در «صبر بر معصیت»، عدالت جلوه «حسابرسی دقیق» می‌یابد. درک اینکه خداوند ذره‌ای کجی را نادیده نمی‌گیرد (زلزال / ۷)، با فعال سازی مکانیزم بازدارندگی، تحمل ترک گناه را بر عقوبت ترجیح می‌دهد.

### ج) اعتقاد به نتیجه‌بخش بودن صبر

براساس متون دینی، آگاهی به «نتیجه‌بخش بودن صبر» از مناشی اصلی تحقق صبر است. این آگاهی بر مبانی توحیدی پیشین استوار است. او می‌داند باری تعالی مالک و حاکم مطلق هستی است و بر تمام آنات مخلوقات علم متقن دارد. حکمت الهی اقتضا می‌کند که رنج‌ها پوچ نبوده، بلکه بستر تکامل باشد؛ عدالت او نیز تضمینگر آن است که این دشواری‌ها از ساحت ظلم مبرا و لازمه استکمال وجودی انسان باشد.

در پرتو این بینش، فرد صابر یقین دارد که صبر بر سختی‌های تکوینی (مصیبت) و تشریحی (طاعت و ترک گناه)، بی‌تردید موجب تعالی و تقرب او به ذات باری تعالی می‌گردد. بر این اساس، اعتقاد به نتیجه‌بخش بودن صبر متضمن دو باور به‌هم‌پیوسته است: نخست اینکه «صبر، عامل قطعی رشد انسان است» و دیگر اینکه «با نیل به این کمال، دشواری‌های مسیر شدن پایان می‌پذیرد» (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴ / ۳۲).

شواهد قرآنی در بیان سرگذشت انبیا، گواه بر این حقیقت است که با تحقق رشد وجودی، بساط رنج برچیده می‌شود؛ چنان که قوم موسی علیه السلام در پی فرمان «اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَاصْبِرُوا» (اعراف / ۱۲۸) و پس از استقامت در مسیر، وارث زمین شدند. در نمونه‌ای دیگر، خداوند به پاداش صبر یوسف علیه السلام، «فَجَعَلَ الْجَبَّارَ الْعَاتِيَّ لَهُ عَبْدًا» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۸۹) آن فرمانروای سرکش (عزیز مصر) را بنده او ساخت. این مصادیق، بیانگر سنت لایتغیر الهی است که با تحقق غایت صبر در مسیر بندگی، نصرت و گشایش را جایگزین رنج‌ها می‌سازد.

نکته عمیق و حائز اهمیت این است که تحقق صبر فضیلت‌مندانه مستلزم علم تفصیلی به فرایند و چگونگی حصول نتیجه نیست؛ بلکه علم اجمالی اما قطعی به نتیجه‌بخش بودن صبر کفایت می‌کند. مراتب عالی صبر آنگاه تجلی می‌یابد که فرد با وجود ابهام در اسباب ظاهری، صرفاً با اعتماد به وعده الهی استقامت می‌ورزد. داستان مواجهه موسی علیه السلام و خضر علیه السلام تبیین‌گر این حقیقت است.

خضر علیه السلام با استفهام «وَكَيْفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خَيْرًا» (کهف / ۶۸)، ناتوانی بر صبر را ناشی از عدم احاطه علمی موسی علیه السلام دانست. با این حال، از موسی علیه السلام توقع می‌رفت بدون آگاهی از حکمت حوادث صبر پیشه کند؛ زیرا اگر علم تفصیلی شرط لازم بود، این فرمان تکلیف به امری محال (ما لایطاق) محسوب می‌شد. بی‌تابی موسی علیه السلام ناشی از تمرکز بر ظاهر ناپسند افعال (سوراخ کردن کشتی، کشتن نوجوان و ساختن دیوار) و بی‌خبری از تأویل و حقیقت باطنی آنها (نجات کشتی از غصب، حفظ ایمان والدین و حفظ گنج یتیمان) بود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۳ / ۳۴۲).

این منطق معرفتی در «صبر بر طاعت و معصیت» نیز جاری است. چه بسا مؤمن حکمت نهایی تکالیف دشوار یا محرومیت‌های ترک گناه را نداند؛ اما با جایگزینی «اعتماد» به جای «آگاهی تفصیلی» و باور به حکمت پنهان الهی، بر انجام وظیفه استقامت می‌ورزد.

### سه. تسلیم برابر خدا و رضایت به مقدرات او و عبودیت پروردگار متعال

پس از تبیین پیشایندهای شناختی، نوبت به عاملی می‌رسد که تجلی عملی باورهای پیشین است. این مقوله سیری منطقی را از «تسلیم و رضایت به مقدرات الهی» آغاز می‌کند و به «اقرار به عبودیت» ختم می‌شود. تحلیل متون دینی، صبر را ثمره تسلیم محض در برابر اراده الهی می‌داند؛ حقیقتی که در سیره اهل بیت علیهم السلام مشهود است.

امام صادق علیه السلام پس از فقدان فرزند، ریشه صبر خود را چنین تبیین فرمودند: «إِنَّا أَرَدْنَا أَمْرًا وَ أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَمْرًا فَسَلَّمْنَا لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۹۲). ایشان با بیان اینکه در تقابل

«خواست خود» و «اراده خدا»، از خواسته خویش دست شسته، تسلیم مشیت او شدند، «تسلیم» را به‌عنوان ریشه و علت غایی صبر معرفی می‌نمایند.

در مرتبه‌ای فراتر از تسلیم، «رضایت» به قضای الهی قرار دارد که به صبر معنایی عمیق‌تر می‌بخشد. اگر تسلیم، پذیرش احکام تکوینی و تشریحی است، رضایت، «موافقت قلبی» با آن احکام است؛ چنان‌که بنده در مواجهه با بلا یا انجام تکلیف، هیچ کراهتی در دل نیابد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۹ / ۳۷۵). امام باقر علیه السلام پیوند میان صبر و رضایت را چنین ترسیم می‌فرماید: «وَمَنْ صَبَرَ وَاسْتَرْجَعَ وَحَمِدَ اللَّهَ ... فَقَدْ رَضِيَ يَمَا صَنَّ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳ / ۲۲۳)؛ از این‌رو، صبر همراه با استرجاع (گفتن «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ») و حمد، نشانه رضایت بنده به فعل الهی است.

ثمره منطقی تسلیم و رضایت، اقرار به «عبودیت» در پیشگاه الهی است؛ زیرا آنگاه که انسان با اتکا به معارف توحیدی، خود را ملک خدا بداند و به تدبیر او راضی شود، به مقام «عبد» بودن خویش اقرار می‌کند. قرآن کریم در آیاتی به پیوند صبر و عبودیت اشاره دارد؛ نخست با خطاب «اصْبِرْ عَلَيَّ مَا يَقُولُونَ وَادْكُرْ عَبْدًا دَاوُودَ» (ص / ۱۷) به پیامبر صلی الله علیه و آله، مقام بندگی را «سرچشمه قدرت بر صبر» معرفی می‌نماید (قرآنی، ۱۳۸۳: ۱۰ / ۹۰). دوم در ستایش ایوب علیه السلام، با عبارت «إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ» (ص / ۴۴)، صبر را نشانه صدق در عبودیت می‌داند. تحلیل این شواهد نشان می‌دهد که وصف «عبد» برای داوود علیه السلام، «عبودیت» را خاستگاه قدرت بر صبر معرفی می‌کند و ستایش ایوب علیه السلام ثابت می‌کند که صبر، گواه صدق در بندگی است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۷ / ۲۱۱)؛ بنابراین «اقرار به عبودیت» و پذیرش لوازم آن، منشأ اصلی تحقق صبر فضیلت‌مندانه است.

تبیین جایگاه عبودیت در این مدل، نیازمند تفکیک میان «عبودیت شناختی» و «عبودیت وجودی» است تا از دور منطقی اجتناب شود. آنچه پیشایند صبر است، «اقرار شناختی» فرد به مملوک بودن خویش است؛ یعنی فرد در مقام نظر خود را بنده خدا می‌داند و این دانش، انگیزه اولیه صبر می‌شود؛ اما آنچه در پیامدها (رشد وجودی) محقق می‌گردد و یا به‌عنوان نتایج مؤلفه‌های هسته‌ای صبر تحقق می‌یابد، «عبودیت وجودی» است. به بیان دیگر، صبر واسطه‌ای است که «اقرار نظری» به بندگی را از کوره آزمون‌های سخت عبور داده و به «تحقق عینی» و خلوص در بندگی ارتقا می‌دهد.

## ۲. مؤلفه‌های هسته‌ای صبر

پس از تبیین پیشایندها، نوبت به واکاوی «مؤلفه‌های هسته‌ای» یا «عناصر هسته‌ای» می‌رسد تا ارکان فضیلت صبر آشکار گردد. در اندیشه اسلامی، صبر فضیلت‌مندانه در بستر «تدبیر عقلانی» و «مشروعیت موقعیت»

تعریف می‌شود و با شبه‌فضیلت‌های انحرافی نظیر «انظلام» (ظلم‌پذیری)، «تواکل» (مسئولیت‌گریزی) و «انفعال» تباین مفهومی دارد؛ چنان‌که قرآن کریم ساحت صابرین را از هرگونه سستی و ذلت‌پذیری مبرا می‌داند (آل عمران / ۱۴۶).

هرگاه عقل یا شرع حکم به تغییر وضعیت دهد، مانند لزوم هجرت از محیط فتنه (نحل / ۱۱۰)، توقف جایز نیست. این قاعده در هر سه ساحت صبر جاری است. در «مصیبت»، تسلیم برابر ظلم قابل دفع صبر نیست. در «طاعت»، توجیه سستی و تعلل با لزوم جدیت در بندگی (مریم / ۶۵) منافات دارد. در «معصیت» نیز ماندن در موقعیت گناه، مصداق صبر نخواهد بود.

صبر تنها زمانی معنا می‌یابد که فرد بر «مقتضای حق» استقامت ورزد؛ خواه این اقتضا «اقدام و تغییر» باشد و خواه «تحمل و شکیبایی». بنابراین در بسیاری موارد، خود اقدام برای تغییر وضعیت عین صبر است؛ چنان‌که مجاهدان طالوت در اوج کارزار و اقدام علیه ظلم، طلب صبر نمودند (بقره / ۲۵۰).

#### یک. التفات به معارف توحیدی نهادینه‌شده

صبر در اسلام کنشی معرفت‌بنیان و خدامحور است. این فضیلت به رکنی با عنوان «التفات آگاهانه به معارف توحیدی نهادینه‌شده» وابستگی دارد؛ زیرا صبر تجلی عملیاتی باورهای توحیدی در مشکلات است. این اتصال تنها با یادآوری آگاهانه معارف در لحظه سختی برقرار می‌شود. بدون این مؤلفه، صبر از فضیلتی توحیدی به رویکردی سکولار فروکاسته می‌شود. متون دینی این پیوند را با سازوکارهای شناختی تبیین کرده‌اند.

قرآن کریم در صحنه نبرد، دستور به «ذکر کثیر» را مقدم بر فرمان «صبر» قرار داده است: «... اذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا ... \* ... وَاصْبِرُوا» (انفال / ۴۶ - ۴۵). این تقدم رتبی نشان می‌دهد یاد خدا جزء ارکان صبر است و در هر سه میدان صبر حیاتی است: در «مصیبت»، یادآوری معیت خدا هراس را می‌زداید؛ در «طاعت» یادآوری عظمت معبود، سنگینی تکلیف را سبک می‌کند؛ و در «معصیت» یادآوری نظارت الهی (طور / ۴۸)، نیروی بازدارنده از گناه را فعال می‌سازد.

قرآن با فرمان مرور سرگذشت صابران، سازوکار شناختی دیگری ارائه می‌دهد: «اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ... أَيُّوبَ ... إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا» (ص / ۴۴ - ۱۷۴). این یادآوری (اذکر) شاهدهی عینی بر اصلی توحیدی است: حمایت خدا و پیروزی قطعی صابران. مشاهده عاقبت نیک الگوها، باور به «حقانیت وعده‌های الهی» (غافر / ۵۵ و ۷۷؛ روم / ۶۰) را استوار می‌سازد. از این رو، فرد رنج‌کشیده یقین می‌کند که سختی‌های او همیشگی نیست و به گشایش می‌انجامد.

در مراتب عالی صبر، اعتقاد جنبه‌گرایشی و ایمانی می‌یابد؛ لذا التفات به این گرایش‌ها نیز در همین مقوله جای می‌گیرد.

### دو. قصد راسخ الهی

یکی از مؤلفه‌های هسته‌ای صبر فضیلت‌مندانه، «قصد راسخ الهی» است؛ بدین معنا که فرد صابر با اراده‌ای محکم، قصد بندگی و تقرب الهی را در دل سختی‌ها حفظ و استوار می‌سازد. وجه «قصد الهی» این عنصر در روایات با کلیدواژه «احتساب» تبیین می‌شود که به معنای به حساب خدا گذاشتن رنج‌های سه‌گانه (مصیبت، طاعت و ترک معصیت) است (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۸۸). این نگرش، صبر را به عملی معنوی تبدیل می‌کند که هدف غایی آن تحقق عبودیت الهی است.

وجه «عزم راسخ» آن نیز برای تثبیت این نیت در مقام عمل ضروری است. علامه طباطبایی عزم را «گره زدن قلب بر انجام کار» می‌داند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۶ / ۲۱۸)؛ از آنجا که صابر در حفظ این «عقد قلبی» جدیت دارد، قرآن کریم صبر را از مصادیق «عَزَمِ الْأُمُورِ» می‌شمارد (آل عمران / ۱۸۶؛ لقمان / ۱۷؛ شوری / ۴۳). در نتیجه، صبر فضیلت‌مندانه کنشی برخاسته از اراده‌ای نیرومند و تصمیمی آگاهانه است که بدون این عزم، به جایگاه والای مذکور نخواهد رسید.

### سه. یاری جستن از خداوند متعال برای صبر ورزیدن

«یاری جستن از خداوند» فراتر از یک توصیه، مؤلفه‌ای هسته‌ای برای صبر است. آیه «وَأَصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ» (نحل / ۱۲۷) صبر را نه توان انسان، بلکه موهبتی الهی معرفی می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲ / ۳۷۴ - ۳۷۵). این موهبت طبق روایت «إِنَّ الصَّبْرَ لَيَنْزِلُ عَلَيَّ قَدْرَ شِدَّةِ الْبَلَاءِ» (ابن بابویه، ۱۳۹۸ ق: ۴۰۱) جریانی پویاست که متناسب با سختی نازل می‌شود. درک این «منشأ الهی» و «نزول اقتضایی» برای صبر، منطقی‌تر است؛ فرد را ملزم می‌سازد تا برای کسب توان صبر ورزیدن، به جای اتکا به نیروی محدود خود، از سرچشمه الهی استمداد جوید.

از این رو، مؤمنان در شدايد با دعای «رَبَّنَا أفرغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» (بقره / ۲۵۰؛ اعراف / ۱۲۶) از خدا یاری می‌طلبند. واژه «أفرغ» استعاره‌ای است که صبر را فیضی وجودی تصویر می‌کند که باید بر ظرف دل ریخته شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲ / ۲۹۳). این استمداد در «صبر بر طاعت» نیز برای دریافت نیروی بندگی و غلبه بر دشواری‌ها امتداد می‌یابد، و همین یاری جستن در ساحت معصیت به صورت «استعاذه» تجلی پیدا می‌کند؛ چنان که یوسف عليه السلام خویشتن‌داری خود را موهبتی الهی دانست و عرضه داشت: «وَأَلَّا تَصْرِفَ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ» (یوسف / ۳۳). بنابراین یکی از ارکان صبر فضیلت‌مندانه، استمداد عاجزانه از حول و قوه الهی است.

#### چهار. مدیریت هیجانات منافی با عقل

مؤلفه هسته‌ای چهارم، «مدیریت هیجانات منافی با عقل» است. این مؤلفه با تعیین مرز میان ابراز مشروع احساسات و غلبه آنها بر عقل، مانع از بروز رفتارهای خارج از مدار عبودیت می‌شود. قرآن کریم این جایگاه را با دو الگوی سلبی و ایجابی ترسیم می‌کند؛ در الگوی سلبی، قرآن کریم مرز صبر را با آیه «فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْأُخُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ» (قلم / ۴۸) مشخص می‌سازد. در این آیه، پیامبر ﷺ از بی‌صبری در برابر حکم الهی، همانند آنچه بر حضرت یونس ﷺ عارض شد، نهی شده است. یونس ﷺ مغلوب هیجان «خشم» شد و با ترک شتابزده قوم خود «ذَهَبَ مَغْضَبًا» (انبیاء / ۸۷)، احساسات را بر حکم عقل مقدم داشت (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۴ / ۳۱۵). این نهی اثبات می‌کند که یکی از ارکان صبر، مدیریت هیجانات است؛ یعنی اگر هیجان بر تصمیم فرد در رفتار چیره شود، صبر منتفی است.

در الگوی ایجابی، قرآن حضرت یعقوب ﷺ را با صفت «كَظِيمٌ» می‌ستاید؛ یعنی او با وجود اندوهی که دیدگانش را سفید کرد، فرمود: «فَصَبْرٌ جَمِيلٌ ... \* وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِمْ وَقَالَ يَا أَسْفَىٰ عَلَىٰ يَوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ» (یوسف / ۸۴ - ۸۳). او هیجان خود را با نیروی عقل مهار نمود و اجازه نداد طغیان احساسات به کلامی خارج از مدار عبودیت منجر شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۱ / ۲۳۳).

دامنه این مدیریت فراتر از هیجانات دافعه (غم و خشم)، شامل هیجانات جاذبه و موانع درونی نیز می‌شود. در «صبر بر معصیت»، یوسف ﷺ با مهار شهوت از سقوط در گناه ایمن ماند (یوسف / ۲۴). در «صبر بر طاعت» نیز چالش اصلی غلبه بر کسالت است؛ چنان‌که امام سجاده ﷺ از آن به خدا پناه می‌برد: «وَلَا تَبْتَلِنِي بِالْكَسَلِ عَنْ عِبَادَتِكَ» (صحیفه سجاده، دعای ۲۰).

#### پنج. شکیبایی

شکیبایی به‌عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هسته‌ای فضیلت صبر، فرایندی فعال است که با سازوکارهای شناختی و عملی، فشار هیجانات مخرب حاصل از رنج را از درون برداشته و آنها را آرام می‌سازد. فقدان این مؤلفه در صبر، استقامت را ناممکن ساخته (استکانة) یا به سستی درونی (وهن) می‌انجامد (آل عمران / ۱۴۶).

وجه تمایز «صبر فضیلت‌مندانه» از «صبر تحمل»، مهار غلیان هیجانات محل است. جنس این غلیان در میادین مختلف متفاوت است: در صبر بر مصیبت، شکیبایی موجب مدیریت «هیجانات واکنشی»<sup>۱</sup>

۱. Emotions Reactive؛ پاسخ‌های آنی و تکانشی سیستم عصبی به شوک واقعه که فرد را بی‌اختیار به واکنش وامی‌دارد (گروس، ۲۰۱۵: ۱۳۲ - ۱۳).

و انقباضی»<sup>۱</sup> (مانند خشم و غم) می‌شود؛ در صبر بر معصیت، وظیفه مهار «تکانه‌های غریزی»<sup>۲</sup> و جاذبه‌های نفسانی» (مانند شهوت و طمع) را بر عهده دارد؛ و در صبر بر طاعت، به معنای غلبه بر «مقاومت»<sup>۳</sup> و ثقل درونی»<sup>۴</sup> (مانند کسالت و شتاب‌زدگی) است. اهمیت این مؤلفه هسته‌ای در آن است که تحمل رنج بدون شکیبایی، فرایندی فرسایشی است که به بیماری روحی می‌انجامد؛ زیرا فرد برخلاف هیجانات غالب خود عمل می‌کند بدون آنکه آنها را مدیریت کرده باشد؛ اما فضیلت صبر که دارای مؤلفه شکیبایی است، مانع از سستی دین و فزونی اندوه می‌شود (ابن‌بابویه، ۱۳۸۵: ۱ / ۱۱۲).

تحقق این مؤلفه هسته‌ای بر دو سازوکار استوار است که نخستین آن، «سازوکار شناختی» است. در این فرایند، «التفات به معارف توحیدی» فشار هیجانات مخرب و مخل به عقل را از درون مهار و آرام می‌سازد. شاهد روایی این سازوکار، کلام امام صادق علیه السلام است که تدبیر خداوند در تسکین تدریجی پیامبر صلی الله علیه و آله را در سه مرحله تبیین می‌فرماید (کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۲ / ۸۸): نخست در ابتدای امر، او را به صبر و مدارا فراخواند: «وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاهْجُرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا» (مزل / ۱۰)؛ دوم، هنگامی که تکذیب دشمنان شدت یافت، با یادآوری سرگذشت پیامبران پیشین او را تسلی داد: «وَكَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا» (انعام / ۳۴)؛ سوم، در مرحله‌ای دشوارتر که جسارت به ساحت الهی رسید، قدرت مطلق خود در آفرینش را یادآور شد: «وَكَذَّبْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ... \* فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ» (ق / ۳۸ - ۳۹) تا بدین‌وسیله ظرفیت روحی لازم برای استقامت در مسیر عبودیت تأمین گردد.

دومین سازوکار، «سازوکار عملی» است که با بهره‌گیری از اعمال عبادی، هیجانات مخرب را مهار می‌سازد. شواهد دینی متعددی بر اثربخشی این سازوکار دلالت دارد؛ قرآن کریم تسبیح و سجده را درمان فشار روانی پیامبر صلی الله علیه و آله معرفی می‌کند: «فَسَبِّحْ ... وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ» (حجر / ۹۸)؛ دستوری که نشانگر تأثیر عبادت در زدودن اندوه مصیبت است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۲ / ۱۹۵) و با سیره امیرالمؤمنین علیه السلام در پناه بردن به نماز هنگام شداید («فَزِعَ إِلَيَّ الصَّلَاةَ»؛ کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۳ / ۴۸۰) تأیید می‌شود. همچنین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روزه را «وجاء» (کوبنده شهوت) می‌نامند: «فَعَلَيْكُمْ بِالصِّيَامِ فَإِنَّهُ وَجَاءُهُ»

۱. Emotions Contractive: هیجاناتی نظیر غم و یأس که با ایجاد حالت «گرفتگی درونی»، دامنه روانی و عملی فرد را محدود کرده و او را به سمت انزوا و فرسایش می‌کشاند (فردریکسون، ۲۰۰۱: ۲۲۰ - ۲۲۱).

۲. Impulses Instinctual: تکانه‌های غریزی، امواجی نیرومند و ناگهانی‌اند که ریشه در نیازهای زیستی یا عادت‌ها دارند. این تکانه‌ها با ماهیتی «لذت‌جو» و «کوتاه‌بین»، فرد را برای کسب پاداش فوری تحت فشار می‌گذارند؛ هرچند این عمل با اهداف و ارزش‌های بلندمدت او در تضاد باشد (بامیستر و هیترتون، ۱۹۹۶: ۲).

۳. Resistance Task: واکنشی فعال و هیجانی که فرد برای اجتناب از شروع یک وظیفه از خود بروز می‌دهد (استیل، ۲۰۰۷: ۷۵).

۴. Inertia Psychological: نیرویی انفعالی که عامل سکون شناختی است و سیستم روانی تمایل به حفظ وضعیت موجود داشته و برای تغییر حالت (مثلاً شروع طاعت)، با نوعی اصطکاک و کندی مواجه است (بامیستر و هیترتون، ۱۹۹۶: ۵).

(کلینی، ۱۴۰۷ ق: ۴ / ۱۸۰) تا نشان دهند عبادت قادر به فرونشاندن التهاب غریزه است. کلام امیرالمؤمنین علیه السلام نیز که عادت را «طبیعت دوم» می‌دانند (تمیمی‌آمدی، ۱۴۱۰ ق: ۴۳)، گویای آن است که مداومت بر عبادت، ثقل و دشواری آن را از میان برمی‌دارد. بر این اساس، عبادت پناهگاهی عملی است که گاه اندوه مصیبت را می‌زداید، گاه طغیان غریزه را مهار می‌کند و گاه دشواری طاعت را آسان می‌سازد.

### شش. استقامت

«استقامت» تبلور عملی و نتیجه منطقی مؤلفه «شکیبایی» است؛ بدین معنا که پس از مدیریت موانع و هیجانات درونی (شکیبایی)، پایداری و ثبات قدم در عرصه عمل (استقامت) محقق می‌شود. قرآن کریم رابطه حیاتی میان استقامت و شکیبایی را با عبارت «وَلْيُرِيظْ عَلَىٰ قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ» (انفال / ۱۱) تبیین می‌کند؛ در این آیه، استواری قلوب (الرَّبْطُ عَلَى الْقُلُوبِ) مقدمه و علت پایداری در عمل (تَثْبِيتِ الْأَقْدَامِ) معرفی شده است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۹ / ۲۲).

تجلی «استقامت» متناسب با اقتضائات هر میدان متفاوت است: در «صبر بر طاعت»، استقامت به معنای «مداومت و استمرار» است؛ چنان‌که واژه «اصْطَبِرَ» در آیه «فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ لِعِبَادَتِهِ» (مریم / ۶۵)، بر لزوم حفظ پیوستگی در عبودیت دلالت دارد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶ / ۸۰۶). در «صبر بر معصیت»، اقتضای «بازدارندگی» دارد و به صورت «ترک فعل» (مانند فروبستن چشم یا ترک مکان گناه) ظهور می‌کند. در «صبر بر مصیبت» نیز به معنای «پایداری عملکردی» است؛ یعنی فرد مانع از آن می‌شود که شوک حادثه، وظایف بندگی‌اش را مختل سازد.

قرآن کریم در توصیف صبر مجاهدان الهی، تفکیک میان ساحت درونی و بیرونی صبر را روشن می‌سازد: «فَمَا وَهَنُوا لِمَا أَصَابَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَمَا ضَعُفُوا وَمَا اسْتَكَانُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۶). در این آیه، نفی «وهن» ناظر به عدم سستی درونی (شکیبایی) است، اما نفی «ضعف» (ضعف عملکردی) و نفی «استکانه» (تسلیم عملی)، به ساحت عملی و مؤلفه «استقامت» بازمی‌گردد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۲ / ۸۵۵). بنابراین اگرچه استقامت، تبلور بیرونی و عملی شکیبایی است، اما به دلیل تفاوت موطن با شکیبایی (قلب در برابر عمل)، مؤلفه هسته‌ای مستقل از آن محسوب می‌شود.

### هفت. انتظار گشایش

صبر فضیلت‌مندانه بر پایه «اعتقاد راسخ به حقانیت وعده‌های الهی» استوار است؛ اصلی که قرآن کریم مکرراً بر آن تأکید دارد: «فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ» (روم / ۶۰؛ غافر / ۵۵، ۷۷). این باور زیربنایی، پدیدآورنده حالتی روانی و امیدوارانه است که «انتظار گشایش» نامیده می‌شود. در این مؤلفه، فرد صابر با

تکیه بر آگاهی پیشین خود از ثمربخش بودن صبر، امیدوارانه در انتظار تحقق دو امر است: نخست اینکه مجاهدت صبورانه‌اش، او را به همان هدفی نائل گرداند که به قصد تحقق آن، صبر پیشه کرده بود. دیگر اینکه با نیل به این مقصد، رنج‌ها و دشواری‌های پیش رو پایان پذیرد.

پیوند همیشگی میان صبر و انتظار، در آیات قرآن بازتابی آشکار دارد. در سیره حضرت شعیب علیه السلام، فرمان «فَاصْبِرُوا حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا» (اعراف / ۸۷) به تصریح علامه طباطبایی، متضمن «انتظار فرج» است (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۸ / ۱۹۰)؛ همچنین تقارن امر به انتظار و امر به صبر در آیه «فَارْتَبِعْهُمْ وَأَصْطَبِرْ» (قمر / ۲۷)، بر هم‌نشینی دائم و پیوند ناگسستنی این دو مفهوم در هندسه معرفتی دین دلالت می‌کند.

آنچه در این میان شایسته تأمل دقیق است، مرز ظریف و تمایز بنیادین میان دو مؤلفه «شکیبایی» و «انتظار گشایش» است؛ تمایزی که ریشه در نوع مواجهه با «اصل رنج» دارد. در مؤلفه «شکیبایی»، صابر با التفات تفصیلی به معارف توحیدی و تمرکز بر صفات الهی، هیجانات مخل را چنان مهار و آرام می‌سازد که رفتاری خارج از مسیر بندگی از او سر نزند. در این ساحت، اگرچه طغیان درد با حلاوت عبودیت فرومی‌نشیند و رنج، قابل تحمل می‌گردد، اما نفس رنج همچنان در عمق جان او باقی است و تجربه می‌شود؛ اما در مؤلفه «انتظار گشایش»، افق دید صابر فراتر است؛ او امیدوارانه انتظار می‌کشد که در پرتو تقرب الهی حاصل از عمل صابرا، ریشه این رنج درونی نیز خشکانده شود و جانش حتی از آن رنج کنترل شده و بی‌غلیان نیز تهی گردد. از این رو، صابر در هر سه ساحت صبر، چشم‌انتظار «تحولی وجودی» است تا ریشه دشواری از نهادش برکنده شود؛ هرچند مصداق این رنج در هر قسم متفاوت باشد.

### ۳. پیامدها و نتایج صبر

پس از واکاوی پیشایندها و عناصر هسته‌ای، اکنون نوبت به تبیین پیامدها و نتایج حاصل از فضیلت صبر می‌رسد.

#### یک. تعالی و رشد وجودی

نخستین و محوری‌ترین پیامد صبر، «استکمال و رشد وجودی» فرد صابر است. این پیامد به معنای فعلیت یافتن استعدادهای بالقوه انسانی است که او را به انسانی کامل‌تر با خصایصی نیکو مبدل می‌سازد؛ فرایندی که در نهایت موجب ارتقای وجودی صابر می‌گردد. در این مسیر، مواجهه با سختی‌های مصیبت، ترک معصیت یا طاعت، عامل فرسایش نیست، بلکه پایداری در برابر آنها، به مثابه بستری برای این شکوفایی عمل می‌کند.

تعالی وجودی صابر، ریشه در سنتی الهی و تخلف‌ناپذیر دارد که براساس آن، کمال غایی انسان تنها

از مسیر عبور از میدان‌های آزمون و مجاهدت نفسانی محقق می‌شود. قرآن کریم با آیه «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ» (آل عمران / ۱۴۲)، پندارِ دستیابی به سعادت بدون صبر را نفی می‌کند. حلقه وصل این بیان قرآنی با رشد وجودی، در تفسیر دقیق علامه طباطبایی نهفته است؛ ایشان تعبیر «لَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ» را ناظر به مقام «تحقق و وجود» می‌دانند و تبیین می‌کنند که غایت این سنت، نه صرفاً آزمون، بلکه «خروج صفات انسانی از قوه به فعل» و تکامل وجودی او از مجرای صبر بر دشواری‌هاست (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۴ / ۳۲).

ثمره صبر در هر سه میدان، ارتقای وجودی و نیل به قله‌های فضیلت و کمال است؛ حقیقتی که قرآن کریم با انحصارِ عالی‌ترین درجات کمال در صابران، بر آن صحنه می‌گذارد: «وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ عَظِيمٍ» (فصلت / ۳۵). علامه طباطبایی در این آیه، «حَظٌّ عَظِيمٌ» را به معنای «بهره‌ای بزرگ از کمال انسانیت» تفسیر نموده‌اند (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱۷ / ۳۹۲). اینکه خداوند متعال دستیابی به این سطح از کمال را تنها به صابران اختصاص داده است، به روشنی بیان می‌کند که «تعالی و رشد وجودی»، نتیجه‌ای قطعی و پیوندی ناگسستنی با فضیلت صبر دارد و نمی‌توان آن را از حقیقتِ صبر جدا دانست. این، خود مستقیم‌ترین شاهد بر آن است که تعالی و رشد وجودی، مهم‌ترین پیامد ضروری صبر است.

## دو. تحقق گشایش و پاداش الهی

در امتداد تعالی وجودی، دومین پیامد صبر محقق می‌شود. این پیامد که نتیجه قهری استکمالِ نفس است، در دو بُعد تجلی می‌یابد: نخست «گشایش دنیوی» است که به معنای برطرف شدن رنج‌ها و دستیابی به نصرت الهی در همین حیات دنیوی است؛ دوم «پاداش اخروی» که به اجر و ثوابی ابدی در سرای آخرت اشاره دارد.

تحقق «گشایش دنیوی» ریشه در سنتی الهی و تغییرناپذیر دارد. قرآن کریم پس از ذکر پایداری انبیا، با عبارت «لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ» (انعام / ۳۴) بر قطعیت این نصرت تأکید می‌ورزد. این گشایش در پرتو معیتِ خاص الهی محقق می‌شود؛ معیتی که در آیه «إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره / ۱۵۳) تجلی یافته و به مثابه نصرتی ویژه، صبر را به کلید گشایش و رفع دشواری‌ها مبدل می‌سازد (طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۱ / ۳۴۵). با این حال، گشایش دنیوی تنها جلوه نازل پاداش است و تجلی تام آن در آخرت محقق می‌شود؛ آنگاه که فرشتگان صابران را به بهشت جاودان رهنمون شده و با بشارت «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ» (رعد / ۲۴) از آنان استقبال می‌کنند. افزون بر این، صبر بر سختی‌ها و فتنه‌ها عامل تطهیر و زمینه‌ساز بخشش الهی است؛

چنان‌که خداوند صابران را مشمول مغفرت و رحمت واسعه خویش معرفی می‌کند: «إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (نحل / ۱۱۰).

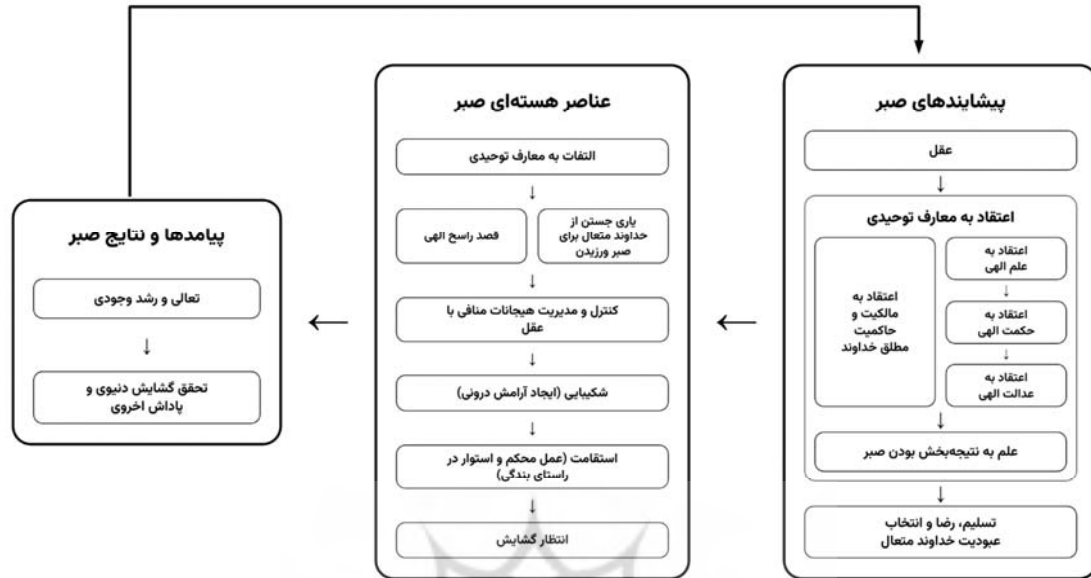
با اتمام تبیین مدل مفهومی فضیلت صبر، لازم است تصریح گردد که روابط میان مؤلفه‌های این مدل، ماهیتی خطی و ایستا ندارند؛ بلکه از الگویی «چرخشی»<sup>۱</sup> (فردریکسون<sup>۲</sup> و جوینر<sup>۳</sup>، ۲۰۰۲: ۱۷۳؛ کولب<sup>۴</sup>، ۱۹۸۴: ۳۸) و «تکاملی»<sup>۵</sup> (پیترسن<sup>۶</sup> و سلیگمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۴: ۶۲۹) پیروی می‌کنند. در این فرایند، صبر در نقطه‌ای واحد خاتمه نمی‌یابد؛ بلکه پیامدهای آن به‌ویژه «تعالی و رشد وجودی»، به مثابه مکانیزم «بازخورد مثبت»<sup>۸</sup> عمل کرده، موجب تقویت و ارتقای پیشایندها می‌گردد (بندورا<sup>۹</sup>، ۱۹۸۶: ۲۴). از این‌رو، در این چرخه بازخوردی، سطح جدید رشد وجودی، عقل را پخته‌تر، ایمان را راسخ‌تر و درک توحیدی را عمیق‌تر می‌سازد.

این پویایی درونی با منطق روایات نیز هم‌خوانی کامل دارد؛ حدیث نبوی «يَتَصَبَّرُ يُصَيِّرُهُ اللَّهُ» (متقی الهندی، ۲۰۱۰: ۳ / ۱۲۶) با ترسیم رابطه تعاملی میان «تلاش برای صبر» (تصبر) و «اعطای صبر الهی» (تصبیر)، بر فرایند چرخشی «شدن» و بازتولید ظرفیت دلالت می‌کند. هم‌راستا با این معنا، فراز «صَبْرْتُمْ ... وَ صِرْتُمْ ... إِلَى الرِّضَا» در زیارت جامعه کبیره (طوسی، ۱۴۰۷ ق: ۶ / ۹۵) نیز ترسیم‌گر همین سیر تکاملی است. نکته ظریف آنکه هرچند «رضایت» از پیشایندهای صبر است، اما ظهور آن در مقام «غایت صبر»، نشانگر ماهیت تکاملی این چرخه است؛ بدین معنا که صبر برخاسته از رضایت پیشین، خود بستر «صبرورت» (صِرْتُمْ) و ارتقا به مرتبه‌ای والاتر از رضایت می‌شود که ظرفیت وجودی فرد را برای مواجهه با ابتلائات آینده افزون می‌سازد.

در نتیجه، مدل حاضر نه تصویری ایستا، بلکه برشی از یک حرکت «مارپیچ رو به بالا»<sup>۱۰</sup> (فردریکسون و جوینر، ۲۰۰۲: ۱۷۳ - ۱۷۲) است؛ حرکتی پویا که در آن، تکرار چرخه صبر و ارتقای وجودی ناشی از آن، ظرفیتی می‌آفریند که فرد را برای مراتب متعالی‌تر صبر آماده می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که با عبور از هر مرتبه، رنج‌های سطوح پایین‌تر دیگر برای او رنج محسوب نمی‌شوند تا نیازمند صبر باشند.

1. Cyclical.
2. Fredrickson.
3. Joiner.
4. Kolb.
5. Evolutionary.
6. Peterson.
7. Seligman.
8. Positive Feedback.
9. Bandura.
10. Spiral.

این سیر تکاملی سبب می‌شود که صبر از یک مقاومت صرف در برابر رنج، به نردبانی برای ارتقای دائمی ظرفیت وجودی در مسیر بی‌پایان عبودیت تبدیل شود.



نمودار ۱: مدل مفهومی صبر فضیلت‌مندانه در اسلام

## روایی مدل

جهت اعتبارسنجی مدل استخراج‌شده، از شاخص روایی محتوا (CVI) بهره‌گیری شد. در این راستا، مقولات و زیرمقولات توسط ده تن از متخصصان ارزیابی و تأیید گردید که جزئیات آن در جدول ۲ آمده است.

پیشایندها	CVI - میزان مطابقت هر پیشایند با مستندات
عقل	۱
اعتقاد به معارف توحیدی	۱
تسلیم و عبودیت	۱
میانگین کل	۱
مؤلفه‌ها (عناصر هسته‌ای)	CVI - میزان مطابقت هر مؤلفه با مستندات
التفات به معارف توحیدی	۱
قصد راسخ الهی	۱
باری جستن از خداوند	۰/۸
مدیریت هیجانات منافی با عقل	۱

پیشابندها	CVI - میزان مطابقت هر پیشابند با مستندات
شکیبایی	۱
استقامت	۱
انتظار گشایش	۰/۹
میانگین کل	۰/۹۵
پیامدها و نتایج	CVI - میزان مطابقت هر پیامد با مستندات
تعالی و رشد وجودی	۱
تحقق گشایش و پاداش الهی	۰/۹
میانگین کل	۰/۹۵

جدول ۲: نتایج روایی‌سنجی مقولات اصلی در مدل مفهومی صبر

## نتیجه

پژوهش حاضر در راستای رفع خلأ نظری موجود، مدل مفهومی «صبر فضیلت‌مندانه» را مبتنی بر آیات و روایات طراحی و اعتبار‌سنجی کرد. این فضیلت به‌عنوان کنشی فعال، پویا و معرفت‌بنیان بازتعریف شد. یافته‌ها نشان داد که این فرایند بر پیشابندهایی استوار است (عقل، اعتقاد به معارف توحیدی، تسلیم و عبودیت). این بسترها، مؤلفه‌های هسته‌ای را فعال می‌سازند (التفات به معارف توحیدی، قصد راسخ الهی، مدیریت هیجانات، شکیبایی، استقامت، انتظار گشایش) و در نهایت به پیامدهای تعالی‌بخش منتهی می‌شود (رشد وجودی، تحقق گشایش).

این مدل مفهومی، دلالت‌های کاربردی قابل توجهی دارد. مدل حاضر می‌تواند مبنای علمی استواری برای طراحی پروتکل‌های تربیتی و روان‌درمانی با هدف تقویت فضیلت صبر قرار گیرد. در همین راستا، یکی از چالش‌های بنیادین در گذار به ابزارهای بالینی، مسئله «سنجش‌پذیری» مؤلفه‌های درونی است (نظیر قصد راسخ الهی یا التفات به معارف). به‌منظور حل این چالش، پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آتی از رویکرد «سنجش غیرمستقیم مبتنی بر نشانگرها»<sup>۱</sup> استفاده نمایند. این رویکرد، امکان اندازه‌گیری «آثار و لوازم» نیت را در قالب شاخص‌های عینی فراهم می‌آورد. برای نمونه، مؤلفه «قصد الهی» را می‌توان با شاخص‌های رفتاری نظیر «عدم گلايه‌مندی در خلوت»، «بی‌نیازی از تأیید دیگران» و ... عملیاتی‌سازی کرد. تدوین مقیاس‌های خودگزارش‌دهی<sup>۲</sup> مبتنی بر این نشانگرهای عینی، گام بعدی برای تبدیل این مدل نظری به ابزاری بالینی کارآمد خواهد بود.

1. Indicator - based Indirect Assessment.

2. Self - report Scales.

## منابع و مأخذ

- قرآن کریم.
- صحیفه سجاده.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. مصحح علی اکبر غفاری. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۸۵). *علل الشرائع*. قم: کتاب‌فروشی داوری.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۹۸). *التوحید*. مصحح سید هاشم حسینی تهرانی. قم: جامعه مدرسین.
- استراوس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۴۰۱). *مبانی پژوهش کیفی*. مترجم ابراهیم افشار. تهران: نشر نی.
- امیری، حسین؛ محمدرضا احمدی و رحیم میردریکوندی (۱۳۹۵). ساخت آزمون اولیه صبر بر معصیت. *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*. ۲ (۴). ۷۱-۸۴.
- امیری، حسین؛ محمدرضا احمدی و رحیم میردریکوندی (۱۳۹۲). مفهوم‌شناسی صبر در اسلام و معادل‌یابی آن در روان‌شناسی. *معرفت*. ۲۲ (۴). ۱۵-۲۸.
- تمسکی، محمدرضا (۱۳۹۴). تحلیل محتوای عقل قرآنی و مقایسه آن با عقلانیت. *دین و دنیای معاصر*. ۲ (۲). ۲۴-۳.
- تیممی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰). *غورالحکم و دررالکلم*. محقق سید مهدی رجائی، بی‌جا: دارالکتاب الإسلامی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). *الصحاح: تاج اللغة و صحاح العربیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- حسین ثابت، فریده (۱۳۸۷). اثربخشی آموزش صبر بر اضطراب، افسردگی و شادکامی. *مطالعات اسلام و روانشناسی*. ۲ (۲). ۹۳-۷۹.
- خسروی، معصومه؛ مهدیه اسفندیاری و نجف طهماسبی‌پور (۱۳۹۷). بررسی نقش صبر و تاب‌آوری در استحکام خانواده از دیدگاه اخلاق اسلامی و روان‌شناسی. *دومین همایش بین‌المللی و سومین همایش ملی اسلام و ارزش‌های متعالی*.
- دهقانی فیروزآبادی، حامد (۱۳۹۵). تفاوت معنایی "صبر" و "حلم"؛ رویکرد قرآنی، روایی، ادبی. *نخستین همایش ملی واژه‌پژوهی در علوم اسلامی*.
- شجاعی، محمدصادق؛ مسعود جان‌بزرگی؛ علی‌عسگری؛ سید محمد غروی‌راد و عباس پسندیده (۱۳۹۳). کاربرد نظریه حوزه‌های معنایی در مطالعات واژگانی ساختار شخصیت بر پایه منابع اسلامی. *مطالعات اسلام و روان‌شناسی*. ۸ (۳). ۷-۳۸.

- شریعتی، سید صدرالدین؛ احمد سلحشوری؛ ابراهیم نعیمی و افسانه تندرو (۱۴۰۱). تبیین مبانی فلسفی انسان صبور در قرآن کریم. *سراج منیر*. ۱۳ (۴). ۸۴ - ۵۵.
- شریف‌الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴). *نهج البلاغة*. مصحح صبحی صالح، قم: هجرت.
- شمشیری، بابک و علی شیروانی شیری (۱۳۹۰). مفهوم صبر در قرآن و دلالت‌های فلسفی و تربیتی آن. *تربیت اسلامی*. ۶ (۳). ۹۸ - ۷۹.
- صالحی حاجی‌آبادی، علی و اصغر هادی (۱۳۹۷). معاشناسی صبر در قرآن. *پژوهش‌های قرآنی*. ۲۳ (۴). ۱۷۳ - ۱۵۰.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰). *منطق فهم حدیث*. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۴۱۷). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه النشر الإسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: ناصر خسرو.
- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵). *مجمع البحرین*. مصحح سید احمد حسینی. تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ ق). *تهذیب الأحکام*. محقق سید حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- علی‌اکبری، ایرج؛ مریم براتعلی و زهره سعادت‌مند (۱۴۰۱). واکاوی مفهوم معنویت در تاب‌آوری با استفاده از آموزه‌های حضرت علی علیه السلام به منظور ارائه استلزامات تربیتی در نظام آموزش و پرورش. *پژوهش‌های نهج البلاغه*. ۲۱ (۳). ۲۵۰ - ۲۳۷.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۳). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی*. مصححان علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- متقی‌الهندی، علی بن حسام‌الدین (۲۰۱۰). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (بی‌تا). *نرم افزار جامع التفاسیر* (نسخه ۲/۱).
- مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی نور (بی‌تا). *نرم افزار جامع الاحادیث* (نسخه ۳/۵).
- موسوی همدانی، سید محمدباقر (۱۳۷۴). *ترجمه تفسیر المیزان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- Bandura, Albert (1986). *Social foundations of thought and action: A social cognitive theory*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice - Hall.
- Baumeister, Roy F., & Heatherton, Todd F. (1996). Self - regulation failure: An overview. *Psychological Inquiry*. 7 (1). 1 - 15.
- Creswell, John W., & Plano Clark, Vicki L.(2018). *Designing and conducting mixed methods research*. Los Angeles: SAGE Publications.
- Fredrickson, Barbara L. (2001). The role of positive emotions in positive psychology: The broaden - and - build theory of positive emotions. *American Psychologist*. 56 (3). 218 - 226.
- Fredrickson, Barbara L., & Joiner, Thomas (2002). Positive emotions trigger upward spirals toward emotional well - being. *Psychological Science*. 13 (2). 172 - 175.
- Gross, James J.(2015). Emotion regulation: Current status and future prospects. *Psychological Inquiry*. 26 (1). 1 - 26.
- Hsieh, Hsiu - Fang, & Shannon, Sarah E. (2005). Three Approaches to Qualitative Content Analysis. *Qualitative Health Research*. 15 (9). 1277 - 1288.
- Kolb, David A. (1984). *Experiential learning: Experience as the source of learning and development*. Englewood Cliffs, NJ: Prentice - Hall.
- Mischel, Walter (2014). *The marshmallow test: Understanding self - control and how to master it*. New York: Random House.
- Morgan, David L. (2014). *Integrating Qualitative and Quantitative Methods: A Pragmatic Approach*. Los Angeles: SAGE Publications.
- Peterson, Christopher, & Seligman, Martin E. P. (2004). *Character strengths and virtues: A handbook and classification*. New York: Oxford University Press.
- Polit, Denise F., & Beck, Cheryl Tatano (2006). The content validity index: Are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. *Research in Nursing and Health*. 29 (5). 489 - 497.
- Schnitker, Sarah A. (2012). An examination of patience and well - being. *The Journal of Positive Psychology*. 7 (4). 263 - 280.
- Steel, Piers (2007). The nature of procrastination: A meta - analytic and theoretical review of quintessential self - regulatory failure. *Psychological Bulletin*. 133 (1). 65 - 94.
- Sweeny, Kate. (2025). On (im)patience: A new approach to an old virtue. *Personality and Social Psychology Review*. 29 (2). 145 - 158.



پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی